خبر و نظر: دولت جدید آمریکا و ابهام در گام های نخستین

پیش از روی کار آمدن دولت جمهوریخواه‏ در آمریکا امیدواریهایی در مورد صنعت نفت‏ بوجود آمده بود زیرا کارشناسان معتقد بودند رئیس جمهور و معاون وی آقای دیک چنی با درک بهتر از صنعت نفت(به دلیل سوابقشان) بهتر خواهند توانست آمریکا را از بحران انرژی‏ کنونی برهانند.موضوع بحران انرژی در آمریکا مسئله‏ای نیستک ه بتوان آن را کتمان نمود زیرا مسئولان عالیرتبه این کشور،حتی رئیس جمهور کنونی هم به این مشکل اعتراف نموده‏اند. دست‏اندرکاران بین‏المللی،به ویژه کشورهای‏ تولید کننده و مصرف کننده و شرکتهای نفتی‏ امیدوار بودند که دولت جدید آمریکا با درک‏ واقعیتهای موجود گامهای عملی و مؤثری برای‏ خروج از بحران برداشته و سیاستهای قبل که‏ منجر به ایجاد شرایط کنونی شده را تکرار ننماید اما اقدامات نخستین دولت جمهوریخواه در طول چند ماه گذشته نه تنها امیدواریهای ایجاد شده را تقویت نکرد بلکه بر دامنه ابهامات نیز افزوده است زیرا:

1-دولت قبلی آمریکا سعی داشت ضمن‏ سرپوش گذاشتن بر مشکلات داخلی صنعت‏ نفت آمریکا،تمامی مشکلات ایجاد شده در رابطه با انرژی را به کشورهای تولید کننده،به‏ ویژه اوپک نسبت دهد در این راستا،سال گذشته‏ وزیر انرژی این کشور در تلاشهای بی سابقه‏ای‏ سعی کرد که اوپک را جهت افزایش تولید تحت‏ فشار قرار دهد در حالی که چهار مرحله افزایش‏ تولید اوپک هیچگونه کمکی به حل مشکلات‏ داخلی صنعت نفت آمریکا نکرد به عنوان مثال از ابتدای سال گذشته کاملا مشهود بود که مشکل‏ بنزین آمریکا که ناشی از مشکلات صنعت‏ پالایش این کشور است با افزایش تولید اوپک‏ قابل حل نخواهد بود اما دولت دمکرات سعی‏ داشت تا آخرین روزهای حیات خود با فشار بر اوپک از یکسو سازمان را وادار به افزایش‏های‏ مکرر تولید نموده و از سوی دیگر عامل اصلی‏ مشکلات داخلی را تولید کنندگان نفت و به ویژه‏ اوپک معرفی نماید.در حالی که بر دست‏اندرکاران صنعت نفت پوشیده نبود که‏ مشکلات صنعت نفت آمریکا که این کشور را به‏ مرز بحران انرژی سوق داده عمیق‏تر از آن است‏ که با افزایش تولید اوپک قابل حل باشد از این رو صاحب نظران انتظار داشتند که دولت جدید آمریکا با درک بهتر از صنعت نفت به گونه‏ای‏ منطقی با این مشکلات مواجه شود.متأسفانه‏ عکس‏العمل بسیار تند دولت جمهوریخواه با تصمیم اخیر اوپک مبنی بر کاهش تولید نفت‏ باعث به وجود آمدن ابهامات جدی در این مورد گردید.پر واضح است که اقدام اوپک صرفا به‏ منظور استحکام بازار نفت و جلوگیری از آشفتگی در بازار صورت گرت والا در صورت‏ بروز هرج و مرج در بازار و سقوط قیمتها استحکام کنونی بازار متزلزل می‏گردید و کلیه‏ کشورهای تولید کننده و مصرف کننده ازاین پدیده‏ متضرر می‏شدند اقدام آمریکا در تشکیل دادگاهی‏ بر علیه اوپک و محکوم نمودن این سازمان به‏ اتهام واهی زیر پا نهادن قوانین ضد تراست باعث‏ تعجب دست اندرکاران بازار نفت گردید زیرا تاکنون هیچ یک از اسلاف دولت کنونی آمریکا مبادرت به این گونه اقدامات غیر منطقی بر علیه‏ اوپک نکرده بودند.بدیهی است دولتمردان‏ آمریکا به خوبی با معنی تراست آشنایی دارند و بهتر از هر کسی می‏دانند که اوپک یک تراست‏ نیست اما به چه دلیل به این گونه اقدامات روی‏ آورده‏اند این سؤالی است که دولتمردان کنونی‏ آمریکا باید به آن پاسخ دهند.

پیش از روی کار آمدن دولت جدید دست‏اندرکاران صنعت نفت ترجیح می‏دادند که‏ جرج بوش رئیس جمهور آمریکا شود زیرا آنان‏ امیدوار بودند وی به همراه دستیارش دیک چنی که شناخت نسبتا خوبی از صنعت نفت دارند بتوانند با برخوردهای منطقی و معقول اقدامات‏ مؤثری در جهت سامان دهی صنعت جهانی نفت‏ بردارند زیرا شرایط صنعت نفت به گونه‏ای است‏ که نه تنها کشورهایی نظیر آمریکا با بحران انرژی‏ مواجه هستند بلکه به جرأت می‏توان ادعا نمود که صنعت جهانی نفت به دلیل عدم‏ سرمایه‏گذاری در بخشهای بالادستی، پایین‏دستی،پالایش،نفت‏کش و...با بحران‏ بی سابقه‏ای مواجه‏اند که حل این بحران بجز از طریق همکاری مؤثر کشورهای تولید کنده و مصرف کننده ممکن نخواهد بود. 2-پیش از اعلام نتیجه انتخابات ریاست‏ جمهوری دست‏اندرکاران صنعت نفت معتقد بودند که در صورت روی کار آمدن‏ جمهوری خواهان، آنان بر خلاف دمکراتها برخوردی واقع بینانه‏تر با موضوع تحریمهای یک‏ جانبه خواهند داشت زیرا مدتها است که عدم‏ کارایی این گونه تحریم‏ها به اثبات رسیده است و تنها نتیجه این گونه تحریمها محدود نمودن‏ فضای رقابتی و محروم ساختن‏ شرکتهای آمریکایی از صحنه رقابتهای بین‏المللی‏ است که تاکنون به ضرر شرکتهای آمریکایی بوده‏ و آنان را از منافع مربوطه محروم ساخته و موجب پایین آمد کارآیی در این گونه‏ سرمایه‏گذاریها(به دلیل محدود شدن فضای‏ رقابتی)گشته است.کمپانی‏های آمریکایی نسبت‏ به برخورد معقولانه جمهوریخواهان با موضوع‏ تحریمها آنقدر مطمئن بودند که در طول‏ انتخابات ریاست جمهوری کمکهای شایانی به‏ جمهوریخواهان نمودند اما اظهار نظر اخیر رئیس جمهور آمریکا مبنی بر اینکه وی قصد ندارد تحریمهای یک جانبه اعمال شده بر علیه‏ ایران و لیبی را لغو نماید موجی از یأس و ناامیدی را در این زمینه بوجود آورده است‏ هر چند دیک چنی دستیار رئیس جمهور آمریکا اخیرا اعلام نموده که کمیته‏ای سرگرم تحقیق و پژوهش در مورد تحریمها است اما وی که‏ مسئول جمع‏بندی این تحقیق و ارائه آن به‏ رئیس جمهور است تصریح نمود که هنوز جمع بندی‏ این تحقیق صورت نگرفته و نتایج آن منتشر نشده است که در نتیجه معلوم گردیده اظهار نظر اخیر و پیش از موعد رئیس جمهور آمریکا در مورد عدم لغو تحریمهای یک جانبه براساس‏ تحقیقات و پژوهشهای لازم صورت نگرفته بلکه‏ احتمالا براساس فشارهای سیاسی از جانب‏ محافل سیاسی ذینفع،به ویژه گروه صهیونیستها صورت گرفته است،مرتبط نمودن این موضوع و مسائلی نظیر مسیرهای عبور انرژی خزر به صلح‏ خاورمیانه و مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل‏ پرده از برخی از فعل و انفعالات سیاسی(پشت‏ پرده)را در این مورد برمی‏دارد.

3-از جمله اشتباهات فاحش دولت کلینتون‏ سیاستهای این کشور در منطقه خزر بوده،بهترین‏ دلیل این ادعا آن است که علی رغم تلاشهای‏ گسترده آمریکا در طول سالهای گذشته در این‏ منطقه تاکنون هیچ یک از طرحهای مورد نظر آمریکا در منطقه به اجراء درنیامده است و شانس‏ اجرای طرحهایی نظیر باکو-جیهان و انتقال نفت‏ و گاز شرق منطقه خزر به ترکیه از طریق بستر دریاچه خزر و نظائر آن روز به روز کمتر می‏شود و علیرغم اصرار آمریکا به اجرای این گونه‏ طرحها،کشورهای منطقه و شرکتهای‏ سرمایه‏گذار که عمدتا از کشورهای غربی هستند حاضر به پرداخت هزینه این گونه طرحهای‏ سیاسی نشده‏اند به گونه‏ای که صاحب نظران، سیاست دمکراتها در منطقه خزر را شکست‏ خورده تلقی می‏کنند از این رو انتظار می‏رفت‏ دولت جمهوریخواه اشتباه گذشته را تکرار نکرده‏ و با استفاده از تجارب گذشته و با تجدید نظر در سیاستهای پیشین سیاست معقولانه‏تری را در منطقه خزر در پیش گیرد اما با کمال تعجب‏ الیزابت جونس نماینده ویژه آمریکا در منطقه‏ خزر اخیرا اعلام کرد که سیاست آمریکا در منطقه‏ خزر هیچگونه تغییر ننموده است.وی به طور مشخص بر اجرای طرح باکو-جهان تأکید نموده‏ و عدم امکان عبور خط لوله انرژی خزر(نفت‏ و گاز)از طریق ایران(به دلیل طولانی بودن!!و عدم حمایت ایران از گفتگوهای صلح اعراب و اسرائیل)را خاطرنشان نمود،بدیهی است دولت‏ جدید آمریکا با ادامه سیاستهای گذشته راه به‏ جایی نخواهد برد و منطقه خزر بیش از پیش‏ سیاسی شده و هدف اصلی آمریکا که عدم‏ وابستگی مجدد کشورهای آسیای میانه و قفقاز به روسیه است محقق نشده بلکه بالعکس در سایه سیاستهای غلط کاخ سفید این کشورها به‏ تدریج به روسیه وابسته‏تر می‏شوند و نمونه بارز آن ادامه انتقال نفت این کشورها از طریق روسیه‏ است که دامنه آن با اجرای طرحهایی نظیر C.P.C گسترده‏تر نیز می‏شود.این در حالی است‏ که کشورهای مربوطه و شرکت‏های سرمایه‏گذار در منابع خزر(به ویژه شرکتهای آمریکایی)بر انتخاب مسیر ایران به عنوان بهترین گزینه در ابعاد فنی-اقتصادی و امنیتی و...به کرات تأکید نموده‏اند اما صرار دولتمران آمریکایی بر ادامه‏ سیاست منزوی ساختن ایران و روسیه در منطقه، نه تنها به منزوی شدناین دو کشور منجر نمی‏شود بلکه روز به روز اشتباه بودن این‏ سیاست را آشکارتر ساخته و شرایط منطقه را بغرنج و پیچیده‏تر خواهد ساخت.

4-مهمترین دلیل بالا بودن قیمت‏ فرآورده‏های نفتی در آمریکا،به ویژه بنزین،عدم‏ سرمایه‏گذاری لازم در بخش پالایشگاهی این‏ کشور بوده است.قوانین و مقررات محیط زیست‏ و سخت‏گیری‏های بی مورد در مورد استانداردهای پالایشی باعث شده که در سالهای‏ گذشته هیچگونه سرمایه‏گذاری در بخش‏ پالایشگاهی صورت نگیرد.پیش از ورود جمهوری خواهان به کاخ سفید امیدواریهایی در این مورد به وجود آمد که سردمداران‏ جمهوریخواه که خود با مشکلات صنعت نفت‏ دست به گریبان بوده‏اند مشکلات و موانع‏ سرمایه‏گذاریها را برطرف خواهند کرد اما با کمال‏ تعجب،همگان شاهد آن بودند که دولت جدید آمریکا به جای رفع تنگناهای داخلی با پروتکل‏ جهانی کیوتو که برای رفع آلودگی‏های جهانی‏ تنظیم شده است مخالفت نمود و علت آن را عدم تعهد کشورهای جهان سوم در رفع‏ آلودگی‏های جهانی عنوان کرد.بدیهی است‏ سردمداران کاخ سفید به خوبی می‏دانند که‏ کشورهای جهان سوم در به وجود آوردن شرایط غیر قابل تحمل زیست محیطی موجود نقش‏ قابل توجهی نداشته‏اند و بخش اعظم این آلودگیها ناشی از مصرف بی رویه انرژی توسط کشورهای‏ صنعتی در دهه‏های گذشته بوده است.بدیهی‏ است کشورهایی که مراحل توسعه یافتگی را طی کرده‏اند باید بهای مبارزه با آلودگی ناشی از توسعه یافتگی خود را بپردازند و کشورهای‏ جهان سوم اگر بخواهند در هزینه‏های‏ توسعه یافتگی کشورهای صنعتی مشارکت‏ نمایند اصولا امکان طی مسیر تسوعه برای آنان‏ غیرممکن شده و در ابتدای مسیر توسعه یافتگی‏ متوقف خواهند شد.از طرف دیگر عدم‏ مشارکت کشوری که حدود 25 درصد آلودگی‏های جهان را تولید می‏نماید در برنامه‏ پاکسازی محیط زیست از یکسو و روی آوردن‏ این کشور به انرژی‏های بسیار آلاینده نظیر استفاده از نفت خام‏های بسیار سنگین و شنهای‏ آغشته با نفت چشم‏انداز آینده محیط زیست را در ابهام جدی فرو می‏برد در حالی که انتظار می‏رفت دولت جدید آمریکا به جای مخالفت با سیاستهای جهانی محیط زیست اقدام به اصلاح‏ قوانین و مقررات داخلی خود می‏نمود تا هم‏ زمینه سرمایه‏گذاری در صنعت پالایش فراهم‏ می‏شد و هم همکاری این کشور با برنامه‏های‏ جهانی جهت مبارزه با آلودگی‏های بیشتر محیط زیست ادامه پیدا می‏کرد.

5-جرج بوش قبلا اعلام نموده بو دکه نفت‏ مورد نیاز آمریکا را از هر منبعی اعم از داخلی یا خارجی تأمین خواهد کرد از این اظهارنظر استنباط می‏گردید که آقای بوش در صدد آن است‏ که براساس اصول اقتصاد و تجارت،نفت مورد نیاز آمریکا را تأمین نماید اما وی در ملاقات با نخست وزیر کانادا و رئیس جمهور مکزیک تمایل‏ خود را به واردات نفت بیشتر از آنان(و به ویژه‏ کانادا)اعلام نمود و در این مورد صریحا اظهار داشت که«کاندا بزرگترین صادر کننده نفت به‏ آمریکا خواهد شد و این امر برای امنیت ملی ما بسیار خوب است».همچنین وی خواستار فعال‏ کردن اکتشافات مرزی در دو سوی مرزها و صادرات نفت از میادین شنهای قیری کانادا به‏ آمریکا شد.آقای جرج بوش به خوبی از حساسیت کشورهای صادر کننده نفت، به ویژه‏ عربستان در مورد سهم آنان از بازار آمریکا آگاهی‏ داشته و حتما به یاد دارد که در سال 1998 به‏ دنبال جنگ بر سر سهم بازار داخلی آمریکا بود که عربستان یکبار دیگر پروژه جنگ قیمتها را به‏ راه انداخت و با سقوط قیمتها سرانجام‏ کشورهای رقیب را متقاعد ساخت که رتبه‏ نخست عربستان را در بازار آمریکا به رسمیت‏ شناخته و به آن احترام بگذارند و بدینگونه جنگ‏ قیمتها خاتمه یافت و به دنبال آن عربستان تاکنون‏ بزرگترین صادر کننده نفت به آمریکا بوده است‏ زیرا صاحب نظران معتقدند این امر برای‏ عربستان جنبه استراتژیک و حیاتی داشته و این‏ کشور به هیچ وجه مایل نیست این موقعیت را از کف بدهد.سؤال این است که آیا آقای بوش با تحریک این حساسیت قصد به راه انداختن‏ جنگ قیمت دیگری را در سر می‏پروراند؟ که در این صورت از جمله تولید کنندگانی که به سرعت‏ از کاهش قیمتها متضرر می‏شوند تولید کنندگان‏ داخلی نفت آمریکا خواهند بود در حالی که از آقای بوش به دلیل آشنایی با صنعت نفت‏ حرکتهای سنجیده‏تری انتظار می‏رود.

بدیهی است سیاستهای قبلی که علی‏رغم‏ فراهم بودن امکان سرمایه‏گذاری در مناطق‏ کم هزینه،اصرار بر سرمایه‏گذاری در نقاط پرهیزینه‏ نفت را داشت منجر به بروز مشکلات کنونی‏ شده که کاهش قابل توجه ظرفیتهای مازاد جهانی‏ از موارد بارز آن است به گونه‏ای که از هم اکنون‏ نگرانیهای جدی در مورد تأمین نفت مورد نیاز جهان در 20-10 سال آینده به وجود آمده است. پرواضح است که رویکرد کشورهای‏ مصرف کننده بزرگ نفت به منابع پرهزینه نظیر آبهای عمیق،دریای خزر و یا شنهای آغشته به‏ نفت و نظایر آن نه تنها مشکلات کنونی و آتی‏ آنها را حل نخواهد کرد بلکه بیش از پیش آنها را در ورطه مشکلات غوطه‏ور خواهد ساخت.

در هر حال شواهد موجود نشانه سرگردانی‏ و آشفتگی در سیاستهای انرژی آمریکاست و دولتمردان جدید این کشور باید بدانند که‏ سرزنش سیاستها و عملکرد گذشتگان تاریخ‏ مصرف و برد محدودی دارد و مردم و خصوصا دست‏اندرکاران بخش انرژی انتظار تبیین‏ سیاستهای روشن،عاری از تعارض،منسجم و منطقی را دارند.

بازار نفت‏ در کشاکش دو نیرو

با آغاز فصل مصرف بنزین یک بار دیگر نقش بازار بنزین در متأثر نمودن بازار جهانی نفت‏ برجسته می‏شود به گونه‏ای که صاحبنظران بازار معتقدند بخشی از استحکام کنونی بازار نفت‏ مدیون استحکام بازار بنزین است و اگر نگرانیهایی(همچون سال گذشته)در مورد بازار بنزین وجود نداشت قیمتهای نفت خام در سطحی پایین‏تر از سطوح کنونی قرار می‏گرفت.

در این میان بیشترین نگرانیها از وضعیت‏ بازار بنزین در آمریکا ناشی می‏شود زیرا کمبود ظرفیت پالایشی در آمریکا موجب شده که از هم اکنون قیمتهای تحویل فرآورده‏ها،به ویژه‏ بنزین در بازارهای آتی افزایش قابل توجهی یابد از این رو دست‏اندرکاران بازار نفت معتقدند در تابستان قیمت فرآورده‏ها،به ویژه بنزین به شدت‏ افزایش خواهد یافت.قیمت بنزین در روزهای‏ گذشته در بازار نیویورک(عمده‏فروشی)به بیش‏ از یک دلار در گالن سید که این بالاترین رقم از ژوسن گذشته تاکنون بوده است.از این رو صاحبنظران پیش بینی می‏کنند که ممکن است‏ قیمت بنزین در تابستان به 2 دلار در هر گالن نیز برسد.همچنین از ابتدای ماه آوریل تا اواخر این‏ ماه قیمت این فرآورده در بازار آسیا 16 تا 22 درصد افزایش یافته است که این پدیده علیرغم‏ وجود ظرفیت مازاد پالایشی در آسیا بوده است. افزایش تقاضا در آمریکا و ارسال محموله‏های‏ متعدد به این بازار از جمله دلایل تقویت قیمت‏ بنزین در بازار آسیا به شمار می‏رود البته تعطیل‏ شدن موقت دو پالایشگاه بزرگ،در کویت و انگلستان به دلیل آتش سوزی و عدم فعالیت‏ برخی از واحدهای پالایشی آمریکا به دلیل انجام‏ عملیات تعمیرات سالیانه نیز این امر را تشدید نموده است اما به هر حال وضعیت بازار جهانی‏ بنزین به گونه‏ای است که همچون سال قبل بازار بنزین نقش برجسته‏ای را در سایر بازارها،به ویژه‏ بازار نفت خام ایفا خواهد کرد.

عامل دیگری که در جهت عکس تأثیرگذاری‏ بنزین در بازار نفت مؤثر گشته عامل کاهش شدید رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی،به ویژه‏ آمریکا است.صاحبنظران اقتصادی معتقدند که با وخامت اوضاع اقتصادی در آمریکا و اروپا، اقتصاد جهان دچار رکود شده و این رکود تا پایان‏ سال 2002 ادامه خواهد یافت.در این صورت‏ تقاضای جهانی نفت به شدت ازاین عامل متأثر گشته و این تأثیر ممکن است باعث تضعیف‏ شدید قیمت‏های نفت شود از این رو با گسترش‏ دامنه بحران اقتصادی آمریکا به منطقه اروپا و آسیا مؤسسات پیش بینی کننده تقاضای جهانی‏ نف پی در پی ارقام تقاضای جهانی را کاهش‏ می‏دهند به عنوان مثال آژانس بین‏المللی انرژی‏ برای پنجمین ماه متوالی ضمن تجدیدنظر در رقم‏ تقاضای جهانی در سالجاری آن را کاهش داد که‏ در نتیجه این آژانس از ابتدای سالجاری حدود 540000 بشکه در روز از تقاضای پیش بینی شده‏ خود برای سال 2001 را کاهش داده است.

انتظار می‏رود با گسترش تبعات سقوط بازار سهام آمریکا به مناطق دیگر(و به ویژه خاور دور و اروپا)و افزایش بیکاری در کشورهای صنعتی‏ و نیمه صنعتی(به دلیل اخراج کارکنان شرکتهای‏ بزرگ)ابعاد رکود اقتصادی در جهان بیش از پیش‏ مشهود گشته و در نتیجه بخشهای مختلف از جمله بازار نفت از آن متأثر شوند.البته کشورهای‏ صنعتی سعی دارند با کاهش پی در پی نرخ بهره به‏ مقابله با این رکود برخاسته و از گستردگی آن‏ جلوگیری نمایند اما پرواضح است که تقاضای‏ جهانی نفت در سالجاری و احتمالا سال آینده به‏ هیچ وجه در سطح پیش بینی شده قبلی محقق‏ نخواهد شد که در این شرایط مدیریت عرضه‏ نفت از جانب کشورهای صادر کننده،به ویژه از جانب اوپک در جلوگیری از کاهش شدید قیمتها تعیین کننده خواهد بود.نکته قابل توجه اینکه‏ علیرغم شرایط نگران کننده اقتصادی دبیرخانه‏ اوپک کماکان رشد تقاضای نفت را بسیار بالا پیش بینی می‏کند(حدود3/1 میلیون بشکه در روز) که براساس آن بازار نفت در طول سالجاری با مشکل جدی مواجه نخواهد گردید و قیمتهای نفت‏ در سطح کنونی(حدود 25 دلار در بشکه)حفظ خواهد شد اما این پیش بینی بسیار خوش بینانه‏ است و تجربیات گذشته،به ویژه تجربه چند سال گذشته در زمان بحران اقتصادی جنوب‏ شرق آسیا این درس را به همگان آموخته است‏ که در این گونه شرایط نبایستی جانب احتیاط را از دست داد به ویژه آنکه ابعاد رکود اقتصادی در آمریکا-اروپا و کشورهای آسیای جنوب شرقی‏ به مراتب از ابعاد بحران اقتصادی کشورهای‏ آسیای جنوب شرقی در سال 1998 عمیق‏تر خواهد بود.در سال 1998 افزایش تقاضای‏ جهانی نفت تنها حدود4/0 میلیون بشکه در روز بود از این رو آژانس بین‏المللی انرژی ناچار گردید با تعدیلهای پی در پی رشد تقاضای جهانی نفت را حدود 1/1 میلیون بشکه در روز کاهش دهد.

از این رو شایسته است دبیرخانه اوپک نیز با استفاده از تجربیات گذشته با فرض رشد تقاضای‏ جهانی نفت در سه سناریوی خوش بینانه، توسط و بدبینانه تصویر واقع‏بینانه‏تری از شرایط کنونی و شرایط احتمالی آتی را برای کشورهای‏ عضو ترسیم نماید در حالی که به نظر می‏رسد آنچه را که دبیرخانه اوپک در نظر گرفته است در قالب سناریوی خوش بینانه قابل طبقه‏بندی است‏ و در نتیجه برای سناریوهای متوسط و بدبینانه‏ نیز جدول عرضه و تقاضا باید تنظیم شود.مثلا برای افزایش تقاضا به میزان 800 و 400 هزار بشکه در روز می‏توان سناریوهای متوسط و بدبینانه را تنظیم و براساس آن یک بازنگری کلی‏ در چشم‏انداز بازار نفت در سالجاری را ارائه نمود که در آن صورت اهمیت پیگیری منظم تحولات‏ بازار نفت و در نتیجه مدیریت عرضه بیش از پیش افزایش یافته و حساسیتهای لازم پیش از وقوع بحران در میان اعضاء،ایجاد خواهد شد و اوپک همچون گذشته به کندی و تأخیر در تصمیم‏گیری و عدم درس گرفت از تجربه‏های‏ گذشته متهم نخواهد شد.